

بررسی و تحلیل بازتاب جنگ جهانی دوم در دو رمان سووشون و

المصاییح الزرق

سعید بزرگ بیگدلی^۱

حسینعلی قبادی^۲

حلوله صالح^۳

چکیده

رابطه ادبیات و اجتماع، پیوندی دو سویه است، به گواهی سرشت و سرنوشت ژانر ادبی رمان در بیان ژانرها و قالب‌های ادبی، رمان بیش از دیگر پدیده‌های ادبی با اجتماع گره خورده است، از میان عناصر داستانی، درون‌مایه و شخصیت‌پردازی ظرفیتی بیشتر برای انعکاس وضعیت اجتماع در اثر دارند، بر همین اساس، در این جستار کوشش شده است دو رمان مشهور فارسی و عربی از حیث انعکاس درون‌مایه متأثر از جنگ جهانی دوم و شیوه شخصیت‌پردازی بررسی و تحلیل شوند. در این مقاله رمان «المصاییح الزرق» نوشته «حنا مینه» رمان‌نویس مشهور سوری و رمان «سووشون» نوشته «سیمین دانشور» رمان‌نویس مشهور ایرانی، از منظر تأثیر استعمار بر دو جامعه ایران و سوریه بررسی و کوشش شده است با بهره‌گیری از نظریه تحلیل گفتمان فرکلاف به تحلیل آن‌ها پرداخته شده شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها بیان شوند. نتیجه بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که پیامدهای هجوم استعمار به این دو سرزمین و بازتاب‌های آن مشابهت‌های فراوان با یکدیگر داشته است و تفاوت‌ها اندک است که در این مقاله به هر دو جنبه پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: رمان المصاییح الزرق، رمان سووشون، عناصر داستان، جنگ جهانی دوم، تحلیل گفتمان.

bozorghs@modares.ac.ir

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس

ghobadi.hosein@yahoo.com

۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس

hlwa.saleh@yahoo.com

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۲/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۳/۲۵

۱- مقدمه: رمان یکی از انواع ادبی است که بیشتر از انواع دیگر مورد توجه واقع شده است و علاوه بر بازتاب ویژگی‌های انسانی در قالب شخصیت‌ها و دیگر پردازش‌ها در شخصیت‌ها و برخی دیگر از عناصر داستانی بتدریج جنبه بازتاب مسائل اجتماعی آن پررنگ‌تر شده به گونه‌ای که عموماً می‌توان از خلال آن به مسائل اجتماعی هر دوره پی‌برد. ایران و سوریه در آغاز قرن بیستم به دلایل گوناگون، از جمله حضور قدرت‌های استعمارگر، شاهد وقایع و تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زیادی بوده‌اند. در این مقاله دو اثر برجسته از دو رمان‌نویس مشهور ایران و سوریه (سیمین دانشور و حنا مینه) انتخاب شده است تا تحولات مذکور در هر دو جامعه با یکدیگر مقایسه شود. حضور قدرت‌های استعمارگر همواره باشدت و ضعف منشأ تغییراتی در این دو کشور بوده است، کشورهایی که از موقعیت خاص جغرافیایی و نیز منابع زیرزمینی و از همه مهم‌تر، نفت برخوردارند. در اینجا به اختصار به شرح اوضاع این دو کشور در سال‌های جنگ جهانی دوم می‌پردازیم:

جنگ جهانی دوم در سپتامبر ۱۹۳۹م با حمله آلمان به لهستان آغاز شد. در این جنگ هر دو کشور ایران و سوریه خاکشان به اشغال نیروهای بیگانه در آمد. با آغاز جنگ جهانی دوم، ایران و سوریه با مشکلات اقتصادی زیادی رو به رو شدند. تورم افزایش یافت و کالاهای اساسی کم‌یاب شدند. این جنگ فقط بر اقتصاد تأثیرنگذاشت، بلکه بر اثر اشغال، نقشه جغرافیایی سوریه تغییر کرد. سوریه بیش از همه کشورهای عربی از استعمار ضربه خورد؛ چون سوریه تا آغاز قرن بیستم به نام «بلاد الشام» یا «سوریه بزرگ» مشهور بود، اما بعد براساس پیمان سایکس بیکو سوریه به چند کشور تقسیم شد. فرانسوی‌ها قبل از جنگ جهانی دوم در سوریه حضور داشتند. در سال ۱۹۳۹م. فرانسه در منطقه انطاکیه و لواء اسکندرون، که در آن زمان جزئی از شهر حلب بودند، امتیازاتی ویژه به ترکیه داد. بعدها فرانسه کل شهر لواء اسکندون را به ترکیه واگذار کرد. (دیب، ۲۰۱۲، ۴۲)

بررسی و تحلیل بازتاب جنب جهانی دوم در دوران سووشون و المصباح الزرق ۱۱۱۱۱۱

در این پژوهش، از سویی، شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو رمان از نظر شخصیت‌ها و درون‌مایه بررسی می‌شود و از سوی دیگر به بازتاب استعمار در رمان و چگونگی بازنمایی واکنش دو جامعه در آن پرداخته می‌شود. مبنای پژوهش مطالعات تطبیقی است و حوزه تخصصی آن مقایسه دو رمان، به زبان‌های عربی و فارسی است. بر همین اساس با توجه به این پرسش اصلی که جنگ جهانی دوم چه تأثیری عمده بر دو جامعه ایران و سوریه گذاشته است در این مقاله کوشش شده است که از طریق بررسی و تحلیل و مقایسه دو رمان مشهور ایرانی و سوری به این سؤال اصلی و دیگر پرسش‌های مربوط به آن پاسخ داده شود.

سؤالات و فرضیه‌های تحقیق

- ۱- از نظر بازتاب مسائل مربوط به استعمار، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین رمان سووشون و المصباح الزرق وجود دارد؟
- ۲- دو رمان سووشون و المصباح الزرق چگونه مسائل اجتماعی و سیاسی دوره خود را بیان کرده‌اند؟
- ۳- تفاوت جنسیت نویسندگان دو رمان سووشون و المصباح الزرق چه تأثیری در شکل‌گیری موضوع و ساختار داستان‌ها داشته است؟

فرضیه‌ها

- ۱- شباهت رمان‌های فارسی و عربی (سوریه)، به علت اشتراکات فرهنگی و اجتماعی دو جامعه ایران و سوریه، بیش از تفاوت‌هاست.
- ۲- نویسندگان دو رمان سووشون و المصباح الزرق بر فقر مادی و فرهنگی متأثر از اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم بر اجتماعشان تأکید دارند، که مشخصاً نتیجه استعمار است.
- ۳- تفاوت جنسیت دو نویسنده بیشتر در زمینه بیان جزئیات و جنبه‌های عاطفی بروز پیدا می‌کند.

پیشینه و روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات تحقیق کتابخانه‌ای است. تاکنون پژوهشی درباره مقایسه این دو رمان؛ باهم انجام نشده است. این رمان‌ها یا به شکل جداگانه بررسی شده‌اند یا به شکل مقایسه با آثار دیگر. همچنین این دو رمان از زاویه‌های مختلف بررسی شده‌اند، ولی تاکنون بویژه از زاویه تأثیر پدیده استعمار در جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، و ادبی، دو جامعه ایران و سوریه بررسی نشده‌اند و این پژوهش از این نظر کاری جدید است.

پژوهش‌های صورت گرفته درباره رمان المصباح الزرق یا در قالب مقاله یا در قالب پایان‌نامه بوده است. دو پایان‌نامه در دانشگاه‌های ایران موجود است. یکی پایان‌نامه مریم قویدل (۱۳۸۹) با عنوان «نقد و تحلیل المصباح الزرق با توجه به موضوع رمان سیاسی در سوریه» است که در آن رمان از دیدگاه سیاسی نقد و تحلیل شده است. دیگری پایان‌نامه سودابه خسروی زاده (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی دو عنصر زمان و مکان در رمان المصباح الزرق» است که محور بحث آن دو عنصر زمان و مکان است.

اما درباره رمان سووشون پژوهش‌های زیادی به صورت مقاله، پایان‌نامه و کتاب انجام شده است. این رمان از دیدگاه‌های متفاوتی مانند تحلیل گفتمان و مقایسه با متن‌های دیگر فارسی یا زبان‌های دیگر بررسی شده است، که به نمونه‌هایی از آن‌ها در این بخش معرفی می‌شود: علی دسپ (۱۳۸۸): «تحلیل گفتمان غالب رمان‌های سیمین دانشور (سووشون- جزیره سرگردانی- ساریان سرگردان)». نویسنده در این پایان‌نامه آثار سیمین دانشور را براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف بررسی کرده است.

پریسا طلاپور (۱۳۹۰): «بررسی تطبیقی شخصیت‌پردازی در رمان‌های سیمین دانشور و زویا پیرزاد». شخصیت و شخصیت‌پردازی یکی از عناصر اصلی داستان است. در اکثر رمان‌ها و داستان‌ها -به ویژه در آثار رئالیستی- عنصر شخصیت در مقایسه با دیگر عناصر اهمیت و کارکرد مهم‌تری دارد. به عبارت دقیق‌تر، مثلاً اگر آثار حادثه‌ای رویدادمحورند، آثار رئالیستی

بررسی و تحلیل بازتاب جنب جهانی دوم در دوران سووشون و المصلح الرزق ۱۱۳۱۱

معمولاً شخصیت محورند. با توجه به همین امر این رساله شخصیت و شخصیت پردازی را در دو رمان رئالیستی از دو نویسنده معاصر بررسی و مقایسه کرده است.

زهرا حسن زاده (۱۳۹۲): در پایان نامه خود با عنوان «بررسی تطبیقی رمان اصل و فصل سحر خلیفه و سووشون دانشور» به بررسی، و تجزیه و تحلیل ارتباطها و شباهت‌های بین ادبیات ملیت‌های مختلف می‌پردازد. «خلیفه»، رمان‌نویس فلسطینی، نویسنده رمان اصل و فصل و دانشور رمان‌نویس معاصر ایران و نویسنده رمان سووشون به تبیین و واگویی ایده‌ها و افکار عدالت‌طلبانه و مبارزه با ظلم، استبداد و استعمار پرداخته‌اند و فکر خویش را در خدمت جامعه به کار گرفته‌اند. این پژوهش با تکیه بر مقایسه دو اثر با دو زبان و دو ملیت مختلف با استفاده از روش تحلیل گفتمان فرکلاف در زمره پژوهش‌های ادبیات تطبیقی قرار می‌گیرد. دو رمان مشخص شده بر اساس عناصر داستان (شخصیت‌ها و درون‌مایه) و انعکاس جنگ و تأثیر حضور بیگانگان در دو کشور به طور جداگانه فیش برداری شده است. در مرحله بعد، مطالب به دست آمده از دو اثر با یکدیگر بررسی، مقایسه و تحلیل شده در پایان شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها در هر عنصر داستانی تبیین شده است.

مروری بر نظریه تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان یکی از نظریه‌های زبان‌شناسی است که محدود به این حوزه نماند. در مدت کوتاهی به شکل گرایش بین‌رشته‌ای وارد مطالعات فرهنگی مانند علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی و زبان‌شناسی شد و به علت بین‌رشته‌ای بودنش به سرعت در مطالعات علوم انسانی گسترش یافت. «امروزه گفتمان در دو معنای متفاوت به کار می‌رود. یکی به «یک قطعه بزرگ زبانی» اشاره دارد، دیگری به سازمان‌بندی اجتماعی محتواها در کاربرد. اولی از سنتی انگلیسی-آمریکایی برخاسته است و دومی با سنت فرانسوی پیوند خورده است» (مکاریک، ۱۳۹۰، ۲۵۶). هر نظریه‌ای روش، شیوه و سیر تاریخی خود را دارد. هر متفکری نظریه‌های ادبی مورد نظر خودش را تفسیر و تحلیل کرده است. روش تحلیل گفتمانی

فرکلاف از سه سطح تشکیل می‌شود: سطح توصیف، که در آن متن براساس مشخصه‌های زبان‌شناختی خاص موجود در گفتمان توصیف می‌شود؛ سطح تفسیر و توضیح روابط موجود بین فرایندهایی که باعث تولید و درک گفتمان مورد نظر می‌شود و بررسی تأثیر انتخاب‌ها در پیکره گفتمان (از لحاظ واژه، ساخت و غیره)؛ و سطح سوم، سطح تبیین که به توضیح رابطه بین عناصر گفتمانی و اجتماع می‌پردازد. چنانکه گذشت در بررسی و مقایسه این دو رمان با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان فرکلاف کوشش می‌شود تا زمینه‌های مشابه و متفاوت آن‌ها نقد و تحلیل شود.

۲- بررسی و تحلیل رمان المصاییح الزرق (چراغ‌های آبی)^۱

۲-۱- خلاصه رمان: نام این رمان رمزی-کنایی از محتوا و درون‌مایه آن گرفته شده است که با بیانی نمادین بر وضعیت و حالت دفاع در موقعیت جنگ دلالت می‌کند. مردم در روزهای جنگ چراغ‌ها و شیشه‌های خانه‌شان را می‌پوشاندند تا خود را از حمله هوایی حفظ کنند، زیرا وقتی چراغ‌ها به رنگ آبی درمی‌آمدند معلوم نمی‌شد که روشن‌اند یا خاموش. نویسنده در این رمان سعی کرده زندگی مردم را در خلال جنگ جهانی دوم نشان دهد و تأثیر جنگ را در مناطقی که مردم در آن زندگی می‌کردند به تصویر بکشد. نویسنده خود درباره این رمان می‌گوید: «من در این جنگ زندگی کردم، تأثیر این جنگ را در شهر دیدم، به زندان رفتم، چون در تظاهرات ضد اشغالگران شرکت کردم تا به آزادی سوریه برسیم ... من بعد از این سال‌ها خوشحالم، چون اولین رمانی که نوشتم در شکل‌گیری رمان واقعگرا اثر گذاشت» (مینه، ۱۹۸۶، ۱۲۹). این رمان در سال ۱۹۵۴م. منتشر و تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده است. کتاب ۳۱۷ صفحه و سه فصل دارد که هر فصل به چند جزء تقسیم می‌شود. رمان با آغاز جنگ جهانی دوم شروع می‌شود و با پایان جنگ و آغاز تظاهرات مردمی برای خروج

۱- المصاییح الزرق: این رمان به فارسی منتشر نشده و در این پژوهش از متن عربی آن مستقیماً استفاده شده است البته برای اینکه ترجمه دقیق‌تر باشد از پایان‌نامه خانم مریم قویدل نیز بهره گرفته شده و مشخصات آن در بخش منابع آورده شده است.

بررسی و تحلیل بازتاب جنگ جهانی دوم در دوران موشون و المصلح الرزق ۱۱۵۱۱۱

استعمارگران پایان می‌یابد. داستان درباره زندگی «فارس» پسری شانزده ساله است که خانواده فقیری دارد. او در مغازه معلم فرانسوی اش مشغول به کار است. روز اول جنگ «فارس» بیکار می‌شود، چون معلمش به ارتش کشورش ملحق می‌شود. خانواده فارس در اتاق خانه بزرگی در محل «القلعه» زندگی می‌کنند. در سایر اتاق‌ها کارگران دیگری زندگی می‌کنند. سختی زندگی بر اثر جنگ باعث کم شدن مواد غذایی از جمله نان می‌شود. مسئولان محل، که با استعمارگران فرانسوی همکاری می‌کنند، مردم را تحت فشار و سختی مضاعفی قرار می‌دهند. فشار زندگی سبب درگیری بین مردم و مسئولان محلی می‌شود. «فارس» به علت درگیری با نانوایی به نام «حسن حلاوه» به زندان می‌افتد. زیرا هنگامی که فارس بیکار می‌شود، پدرش مسئولیت خرید نان را به او می‌سپرد تا مادرش ساعت‌ها در صف طولانی نان نایستد. فارس این مسئولیت را به بهترین وجه انجام می‌دهد تا اینکه با نانوا درگیر می‌شود. درگیری آن‌ها به تظاهرات ضد فرانسوی تبدیل می‌شود. فارس در زندان با شخصیت‌های زیادی مانند «عبد القادر» آشنا می‌گردد. او از جمله آزادی‌خواهان است که تا کنون چندین بار به زندان افتاده است. فارس پس از یک سال و نیم تحمل سختی‌ها از زندان آزاد می‌شود و نزد خانواده اش می‌رود. او عاشق «رنده» دختر همسایه می‌شود. رنده همراه مادر فارس در کارخانه تنباکو (الریجی) کار می‌کند. فارس پس از آزادی دنبال کار می‌گردد و دلش می‌خواهد کاری پیدا کند و با رنده ازدواج کند. پس نزد زن معلم سابقش می‌رود. اینجا لحظه شروع تحول زندگی فارس است. او با کمک همسر معلم سابقش شغل مناسبی در کارخانه پناهگاه‌سازی فرانسوی‌ها پیدا می‌کند؛ وی در این کارخانه در سمت ناظر مشغول می‌شود. فارس با زن معلم سابقش سروسری می‌یابد و تقریباً هر روز پیشش می‌رود. ولی پس از مدتی به علت عذاب وجدان و عشق رنده با او قطع رابطه می‌کند. در نتیجه دوباره بیکار می‌شود. «نجوم» که داوطلب شده بود در کنار فرانسوی‌ها با آلمانی‌ها بجنگد به فارس پیشنهاد می‌دهد که با هم به لیبی بروند و پولی برای ازدواج جمع کنند. فارس پس از مشورت با «کدخدا جریس» تصمیم به رفتن می‌گیرد.

پدر فارس عصبانی می‌شود و پیغام می‌فرستد که اینجا کس و کاری نداری، برنگرد. فارس می‌رود، دو سال می‌گذرد، جنگ به پایان می‌رسد، ولی خبری از فارس نمی‌شود. پدر فارس از نجوم می‌شنود که پسرش تیر خورده و مفقود شده است، ولی به مادر فارس نمی‌گوید مبادا آمیدش از بین برود. رمان با تظاهرات ضد فرانسوی مردم، که خواستار عمل به وعده فرانسوی‌ها و خروج ایشان از سوریه‌اند و مرگ رنده، که به علت کار در کارخانه تنباکو سل گرفته بود، به پایان می‌رسد.

۲-۲- تحلیل عناصر داستان

۲-۲-۱- شخصیت‌ها: شخصیت‌های رمان واقعی و همان ساکنان لاذقیه در جنگ جهانی دوم‌اند. نویسنده رمان تقریباً برای همه شخصیت‌هایش تکیه کلامی آفریده است که از اول تا آخر رمان تکرار می‌شود، مانند «جریس المختار» که مدام از عبارت «الظروف استثنائیه» استفاده می‌کند. نویسنده بیشتر شخصیت‌ها را با ذکر توصیف‌هایی جسمی و ظاهری معرفی کرده است. شخصیت‌های این رمان واقعی‌اند. اغلب ایشان از مردم فقیر بوده‌اند. در این رمان سه تیپ وجود دارد: فرانسویان، ثروتمندان و فقرا.

فرانسویان: نویسنده معلم فارس و زنش، مستشار، افسران و سربازان استعمارگر فرانسوی را، که جز نابودی سوریه کاری نکرده‌اند، وحشی توصیف کرده است. «رئیس زندان شلاقش را بلند کرد و «عبد القادر» را زد، ژاندارم‌ها هم او را دوره کردند و کتکش زدند، بعد او را به انفرادی بردند و پنج روز نگهش داشتند» (مینه، ۱۹۸۶، ۱۶۱). در میان شخصیت‌های فرانسوی، نویسنده فقط شخصیت معلم فارس و همسرش را با ذکر جزئیات توصیف کرده است: «... با قد بلند، شانه‌های پهن و چشم‌های سیاه...» (مینه، ۱۹۸۶، ۲۰). «هدف نویسنده از ذکر ویژگی‌های تن و بدن زن معلم فرانسوی این است که خواننده علت در دام افتادن فارس و برقراری رابطه نامشروع با او را بداند» (الماضی، ۱۹۸۹، ۱۴۶). ثروتمندان و اربابان؛ آنها با فرانسوی‌ها رابطه خوبی داشتند. نویسنده شخصیت آنها را کاریکاتورگونه ترسیم کرده است تا خوانندگان را به

بررسی و تحلیل بازتاب جنب جهانی دوم در دوران سوشون و المصالح الرزق ۱۱۷۱۱

تمسخر آنها وادارد. مانند «عبدالمقصود» و خانواده‌اش که هنگام حمله هوایی زیر لحاف رفتند تا خودشان را از گاز سمی حفظ کنند. «... و "عبدالمقصود افندی"، یکی از ثروتمندان محله، و همسر و بچه‌هایش زیر لحاف رفته بودند و با حوله خیس دهان و بینی‌شان را بسته بودند. وقتی نگهبان رسید و لحاف را کنار زد گمان بردند گاز استنشاق کرده‌اند، چنان وحشت زده شدند که برخی از آنها بی‌هوش روی زمین افتادند» (مینه، ۱۹۸۶، ۱۰۴). داستان «عبدالمقصود» یک ماه سوژه خنده اهالی محل می‌شود.

«جریس المختار»: او از شخصیت‌های اصلی رمان است. تکیه کلام «الظروف استثنائیه»، به معنی «اوضاع اضطراری»، از اول تا آخر رمان از زبانش نمی‌افتد. مردم هم با آمد و شد او می‌گویند: «جاء الظروف استثنائیه» و «ذهب الظروف استثنائیه»؛ «اوضاع اضطراری آمد، اوضاع اضطراری رفت» (مینه، ۱۹۸۶، ۷۰). او نماد ظلم و خودکامگی و از شخصیت‌های پر حرف داستان است. نویسنده توصیف این شخصیت را با ویژگی‌های منفی شروع می‌کند. «کدخدا جریس در پر حرفی اول بود...» (مینه، ۱۹۸۶، ۴۶). او از شخصیت‌های دو رو و ریاکار است. گرچه طرفدار اشغالگران است، برخی اوقات خود را طرفدار مردم نشان می‌دهد.

«رشید افندی»: او هم از شخصیت‌های ظالم و طرفدار اشغالگران است. وی از اول تا آخر رمان جمله‌ای را تکرار می‌کند: «اجردو اجردو...» یعنی «کار کنید کار کنید». افندی، مسئول کارخانه تنباکو، آدم سنگدلی است و همه کارگران را اذیت می‌کند حتی کسانی را که از روستاها تنباکو می‌آورند. او آدم تندخو و بی‌رحمی است.

فقرا: اغلب شخصیت‌های این رمان فقیرند. نویسنده با ذکر کار یا لقب این شخصیت‌ها مانند «عازار کفش دوز» یا «مریم سیاه»، یا با ذکر خصوصیات جسمی آن‌ها و صفشان می‌کند.

«فارس»: شخصیت اصلی رمان است که ما را با اغلب شخصیت‌های رمان آشنا می‌کند. «پسری شانزده ساله که قربانی جنگ شد» (مینه، ۱۹۸۶، ۱۸). شخصیت فارس به دو شکل در رمان مطرح می‌شود. در آغاز رمان، شخصیت مثبتی است که به آینده خودش می‌اندیشد و در عین حال

استعمارستیز است. اما بعداً به شخصیتی منفی تبدیل می‌شود. در نانوایی، بر اثر وقوع جنگ و پیامدهای آن، از جمله کمبود ارزاق، بر سر نان درگیری رخ می‌دهد و فارس با چند نفر از افراد محله مانند عبد القادر به زندان می‌افتند. فارس شخصیت عبد القادر را می‌پسندد و با خود می‌گوید: «اگر همه زندان‌ها خراب شود چه اتفاقی می‌افتد؟... نفهمید چه شد که یاد عبد القادر افتاد و گفت: هر وقت امثال عبد القادر در شهر زیاد شود، زندان‌ها خراب می‌شوند» (مینه، ۱۹۸۶، ۱۵۲). به نظر پدر فارس و اهالی محله او بعد از زندان برای خود مردی شده است. «فارس دیگر بچه نیست» (مینه، ۱۹۸۶، ۱۸۲)؛ چون «حسن حلاوه»، آدم بد و منفور محل، را زده است، از نظر همه مردم، او آدم خوبی است، اما به علت سختی جنگ، بیکاری، زندان، فقر و رابطه ناشایست با زن افسر فرانسوی به ارتش فرانسه می‌پیوندد و عازم لیبی می‌شود. وجه منفی شخصیت فارس قوی‌تر از وجه مثبت آن است. فارس در درون با خودش جنگ دارد. با خود می‌اندیشد که فرانسوی‌ها اشغالگرند، «با سوری‌ها مهربان نیستند ... دشمن کشورند» (مینه، ۱۹۸۶، ۲۸۷)، و از لحظه‌ای همکاری با آن‌ها پشیمان می‌شود. اما او به دنبال پول و کار رفته است. فارس به لیبی می‌رود و همان‌جا می‌میرد. نجوم، دوستش، به پدر فارس خبر می‌دهد که پسرش تیر خورده و مفقود شده است: «صدایش را شنیدم. جلوتر زخمی شده بود، اما جسدش را پیدا نکردند، برای همین نامش را جزو مفقودین ثبت کردند» (مینه، ۱۹۸۶، ۳۰۶). زندگی فارس دو مرحله دارد: مرحله اول زمانی است که جوانی مبارزه‌جو و آزادی‌طلب است و مرحله دوم زمانی است که به سودای پول کارگزار فرانسوی‌ها می‌شود به لیبی می‌رود. در واقع در نام فارس نمادی نهفته است؛ او گمان می‌کند فارس (سواره) است و به آرزویش می‌رسد، اما پیاده‌ای بیش نیست؛ فرایند توصیف در تحلیل گفتمان ربط منطقی بین کلمات و واژه‌ها است که به تناسب موضوع رمان انتخاب شده‌اند. در این رمان نیز به تناسب موضوع که ستیز با استعمار و اشغالگری است. نویسنده چه در قالب شخصیت‌های داستان و چه حوادثی که رخ می‌دهد با چنین کلمات و

بررسی و تحلیل بازتاب جنگ جهانی دوم در دوران سووشون و المصلح الرزق ۱۱۹۱۱۱

ارتباطی که میان آنها به وجودی آورد هنرمندانه به بازتاب‌های جنگ در روابط میان افراد جامعه و آزار و رنج‌ها و سختی‌ها و امیدها و ناامیدی‌ها آنها می‌پردازد.

«ابوفارس» یا «میخائیل»: وی اصلی‌ترین شخصیت رمان است که پیشه‌اش بنایی است، مردی فقیر، صبور و قوی است که رنج می‌کشد اما تحمل می‌کند. مردم او را دوست دارند. این شخصیت دید مثبت دارد. «او بنایی قدیمی است. عمرش را صرف ساختن خانه‌های دیگران کرده، ولی نتوانسته است خانه‌ای برای خودش بسازد» (مینه، ۱۹۸۶، ۶۸). فارس شخصیت پدرش را خیلی دوست دارد و همیشه از خودش می‌پرسد: «چرا بنا شد و معلم نشد؟» (مینه، ۱۹۸۶، ۱۱۱). ابوفارس اشغالگران را دوست ندارد و این مسئله بارها در طی وقایع رمان آشکار می‌شود. مثلاً، هنگامی که با فارس درباره اشغالگران صحبت می‌کنند می‌گوید: «... ما آن‌ها را نمی‌خواهیم، اگر به تو بگویم از خانه من برو، حتماً می‌روی، زیرا من قوی‌ترم، صاحب‌خانه‌ام، هیچ کس نمی‌تواند در خانه‌ای بماند اگر صاحب‌خانه‌اش راضی نباشد. ... متنفرم، اگر هیچ ربطی به من نداشته باشد؛ اگر برای دیگران باشد بدم می‌آید. اما اگر برای آزادی وطنم، نظیر انقلاب سوریه باشد، بدم نمی‌آید» (مینه، ۱۹۸۶، ۲۰۶). در جای دیگری ضدیت او با استعمار آشکار می‌شود: وقتی فرزندش به خدمت ارتش فرانسه درمی‌آید، عصبانی می‌شود. «ابوفارس به همسرش گفت: فارس پیری من را تباه کرد... به او افتخار می‌کردم... ولی الآن خجالت می‌کشم. کاش می‌مرد» (مینه، ۱۹۸۶، ۲۸۵). در حقیقت میان شخصیت پدر فارس و پدر حنا مینه تشابه وجود دارد. هر دو در جنگ جهانی اول شرکت کرده‌اند. خود آقای حنا مینه به این نکته اشاره کرده است: «در جنگ جهانی اول پدرم به سربازی رفت، بدون سلاح. او به ساختن جاده‌ها و راه آهن کمک می‌کرد» (مینه، ۱۹۸۶، ۱۵). در رمان، پدر فارس، هنگامی که خاطرات خود را از جنگ تعریف می‌کند، به این موارد اشاره می‌کند. «مادر فارس» یا «زنوبه»: زن مهربان و صبوری است که در کارخانه تنباکوی فرانسوی‌ها کار می‌کند.

همسایگان خانواده فارس: کسانی هستند که در همان خانه با پدر فارس زندگی می‌کنند و اغلب بیکارند؛ اگر روزی کار داشته باشند، روز دیگر بیکار می‌مانند، برای نمونه:

أم صقر و پسرش صقر، مریم السودا و شوهرش نایف الفحل، ابوزوق الصفتلی، رنده با مادرش، هر یک از این خانواده‌ها در یک اتاق، در خانه پدر فارس زندگی می‌کنند. رنده در ابتدا بیکار بود؛ بعد با مادر فارس در کارخانه تنباکو مشغول به کار می‌شود. وی، که معشوق فارس است، در آخر رمان به علت بیماری سل می‌میرد. او از شخصیت‌های مثبت رمان است و با استعمار سر ستیز دارد. او همراه با گروهی از زنان در تظاهرات برضد اشغالگران شرکت می‌کند. بشاره القندلفت و نجوم از شخصیت‌های فرعی اما مهم رمان هستند و بویژه نجوم مؤثر در زندگی فارس است؛ او بود که به فارس پیشنهاد پیوستن به ارتش فرانسوی‌ها می‌دهد. با فارس به لیبی می‌رود و هنگامی که جنگ تمام می‌شود، با پای قطع شده به سوریه برمی‌گردد.

«عبدالقادر»: از شخصیت‌های اصلی رمان و باسواد و استعمارستیز است. چندین بار به زندان می‌افتد، زیرا آزادی سوریه را می‌خواهد. همواره معتقد است که هیتلر و ارتش فرانسه اشغالگرند و مردم باید برای آزادی کشورشان تلاش کنند. او آدم نترس است. در زندان به فارس می‌گوید: «قوی‌تر از مرگ باش تا قوی‌تر از ترس باشی» (مینه، ۱۹۸۶، ۱۵۴).

«محمد الحلبی»: شغل قصابی دارد و آزادی‌خواهی استعمارستیز است. این مسئله در ماجراهای رمان آشکار می‌شود. برنامه تظاهرات و اعتصاب‌های ضد اشغالگران را حلبی برنامه‌ریزی می‌کند. «حلبی ناراحت شد و گفت: اگر اینطور است باید جواب بدهم: فردا قرار نیست گوشت بفروشند. مغازه را باز نخواهیم کرد. فردا بازار تعطیل است، فردا اعتصاب می‌کنیم، همه اعتصاب می‌کنند» (مینه، ۱۹۸۶، ۱۳۹). در این رمان نه فقط ابو رزوق، که اغلب شخصیت‌های فقیر معلول‌اند، مثلاً مریم السودا (لنگ) است و عازار السکافی (مرد یک‌پا) است. نویسنده با بیان مشکلات و ناتوانی‌های این شخصیت‌ها در پی آن است که، مردم فقیر به علت اوضاع سخت اقتصادی به خودشان اهمیت نمی‌دهند. مردم در این رمان فقیر ولی قوی‌اند، مریض و

بررسی و تحلیل بازتاب جنگ جهانی دوم در دوران موشون و المصباح الزرق ۱۲۱۱۱۱

معلول اند اما زندگی را دوست دارند، در زندان اند، ولی به آزادی می اندیشند، آنها به رغم رنج ها و سختی های زندگی می خندند و به آینده بهتر فکر می کنند.

۲-۲-۲- **درون مایه:** موضوع اصلی رمان «المصباح الزرق» مربوط به سال های جنگ جهانی دوم و زندگی فقرا است. نویسنده زندگی مردم عادی و معمولی را در خلال جنگ جهانی دوم به تصویر کشیده است. توجه نویسنده رمان به حضور بیگانگان و مخصوصاً فرانسویان در شهر لاذقیه است. سوریه و جامعه سوری از این جنگ در امان نمی ماند. رمان المصباح الزرق مشخصاً همان طور که از اشارات آن بر می آید، به تأثیر جنگ جهانی دوم بر مردم شهر لاذقیه پرداخته است. هم اصلی حنا مینه در این رمان معطوف به ترسیم زندگی فقرا و وصف جامعه و حضور بیگانگان در سوریه آن دوره است. جامعه سوری در این رمان نا آرام و متحول است. این نا آرامی، که ناشی از جنگ است، از همان آغاز توجه خواننده را به خود جلب می کند. در رمان تناقض های اجتماعی زیادی رخ می نماید. برای مثال، پدر فارس بناست ولی نتوانسته است برای خودش خانه ای بسازد. یکی از موضوعات این رمان ظلم و ستمی است که در حق زنان شده است. زنان این رمان، عموماً، منفعل و خانه نشین اند، می ترسند و گریه می کنند. نقطه نهایی این رمان مرگ فارس و رنده است، یکی در جنگ با آلمانی ها دیگری در نبرد با سل. فرایند تولید و مصرف متنی (فرایند تغییر) از بخش هایی است که در تحلیل گفتمان با بهره گیری از آن می توان به کشف لایه های پنهان در اندیشه حاکم بر اثر پی برد نویسنده برای بازتاب سیر حوادث، وقایع زیادی را کنار هم چیده است. قهرمان این رمان شخصی خاص نیست، جمع است؛ چرا که استقلال و آزادی هیچ کشوری صرفاً با یک نفر و یک قهرمان حاصل نمی شود. یک دست صدا ندارد، باید همه با هم تلاش کنند تا کشورشان را از چنگ بیگانگان رها سازند. این مقاومت سوری ها در برابر اشغالگران منحصر به شخص یا مکانی خاص نبوده است. نویسنده رمان تحولات اجتماعی و تأثیر جنگ در مردم را با دقت به تصویر کشیده است. بیشتر شخصیت های رمان از طبقه فقیر جامعه اند؛ شرایط اجتماعی تولید

متن (تبیین) کردار اجتماعی، انسجام میان عناصر بافت متن و اجتماع است. یعنی بافت موقعیت و محیط است. نویسنده خود از همان طبقه برخاسته است و برای همین با دردها و زندگی آنها آشناست.

۲-۲-۳- انعکاس جنگ و تأثیر حضور بیگانگان: راوی در این رمان می‌کوشد تصویری ماهرانه و حقیقی از وضع لاذقیه و تحولات این شهر و شهرهای دیگر سوریه در سال‌های جنگ جهانی دوم به دست دهد. مشکلات فارس در زندگی در حقیقت مشکل همه مردم سوریه در جنگ جهانی دوم است؛ او نیز، مانند اغلب مردم، بیکار می‌شود. فارس جز کار هدفی در سر ندارد. نویسنده در این رمان بارها به جنگ جهانی دوم و آثار آن بر شخصیت‌ها و جامعه اشاره کرده است؛ فرایند تفسیر در تحلیل گفتمان انسجام و توضیح فرایندهایی است که باعث تولید گفتمان بر اساس رخدادهای اجتماعی حاکم بر آن دوره می‌شود در این رمان نیز تأثیر جنگ از اولین روز شروع آن آشکار است «فرکلاف در تحلیل گفتمان بر ایدئولوژی و قدرت تأکید دارد... تحلیل فرایندهای تولید، مصرف و توزیع متن و تحلیل اجتماعی- فرهنگی را رخداد گفتمانی می‌داند» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۲۰) مردم در جنگ نسبت به آینده خودشان بدبین و مأیوس می‌باشند، فارس می‌گوید: «اگر جنگ به معنی بیکاری است پس چه آغاز سیاهی!» (مینه، ۱۹۸۶، ۱۹). علاقه و عشق فارس به رنده تا پایان رمان جریان دارد ولی بیکاری فارس و نه عشق او به رنده مسئله اصلی رمان است، رفتنش به زندان موجب ترک کشور می‌گردد. در جنگ، مردم به جای شادی و خوشحالی، اندوهگین و غمگین می‌شوند: «از روز اول جنگ، همه چیز از بین رفته، خنده‌ها از بین رفته و شهر در تاریکی و خیال فرو رفته است» (مینه، ۱۹۸۶، ۳۸). در جنگ مردم، با گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند و برخی از مردم به علت گرسنگی می‌میرند. پدر فارس به این مطلب اشاره می‌کند و می‌گوید: «در جنگ، مردم سیر نمی‌شوند. اگر از گرسنگی نمیرند، شانس آورده‌اند» (مینه، ۱۹۸۶، ۶۹). اما اثر جنگ بر جامعه زیاد است، چون مواد غذایی در بازار کم و نایاب شده است و قیمتشان بالا رفته. «... و پدرش به همسایگان

بررسی و تحلیل بازتاب جنگ جهانی دوم در دو رمان سووشون و المصلح الرزق ۱۳۳۱۱

خبرهای بسیار بدی از وضعیت بازار داد: قیمت‌ها بالا رفته، مواد غذایی کمیاب شده، نظام خاموشی حاکم شده، همهٔ بازنشسته‌ها به خدمت فراخوانده شده‌اند، رفته کیسه‌ای آرد بخرم اما نتوانستم پیدا کنم» (مینه، ۱۹۸۶، ۲۱). سختی‌های جنگ بر جای جای رمان سایه انداخته و نویسنده با روشی هنرمندانه جنگ را توصیف کرده است. مواد غذایی نایاب و حتی نابود شده است؛ در توصیف گفتمان رمان (متنی) یا کردار گفتمانی؛ میان بافت متن و ماجراهای رمان و کنش شخصیت‌ها رابطه منطقی برقرار است. فروشندگان مانند جلادها شده‌اند. در جنگ اغلب تاجران بی‌رحم می‌شوند. نویسنده این حالت را به شکل ماهرانه‌ای توصیف می‌کند: «فروشنده‌های عبوس مثل جلاد جلو مغازه‌هایشان ایستاده‌اند و انگار به زور حرف می‌زنند.

- آرد دارید؟ - نه

- گندم؟ - نه

- شکر؟ - نه

- قهوه؟ - نه

- برنج؟ - این هم نه» (مینه، ۱۹۸۶، ۴۸).

بر اثر جنگ حتی ارزش پول هم کم شده است: «لیره دیگه لیره نیست» (مینه، ۱۹۸۶، ۲۱۶). تأثیر این جنگ فقط بر زندگی مردم نیست، بلکه بر جغرافیای سوریه هم تأثیراتی مهم بر جای می‌گذارد؛ در آغاز جنگ فرانسوی‌ها لواء اسکندرون را به ترکیه می‌دهند. در این حادثه، نویسنده احوال مردمی را بیان می‌کند که مهاجرت کردند. نویسنده خود از جمله کسانی است که در دورهٔ کودکی از لواء اسکندرون به شهر لاذقیه آمده است. او در چند رمان مانند رمان «المستقع» و «بقایا صور» و غیره به این حادثه اشاره کرده است. «مکسور المبیض» یکی از کسانی است که روش ترک‌ها را حین ورود به لواء شرح می‌کند. «شهر را گرفتند، قبرهای ما را لگد کردند... با تحقیر لگد کردند، به سادگی تمام لگد کردند... آمدند، کاروانسراها و

مدرسه‌ها را مصادره کردند، دیگر نه رودخانه «عاصی» مال ما بود نه آبشارها و مزرعه‌های سرسبز و میوه‌ها، همه چیز و همه کس ماتم گرفتند» (مینه، ۱۹۸۶، ۲۲۳). با توجه به آنچه گذشت و گفتگوهای حاکم بر رمان می‌توان به روشنی عناصر قابل بررسی در سطوح تحلیل گفتمانی فرکلاف را مشاهده کرد. بویژه سطح کارکرد اجتماعی بخوبی در قالب بیان روابط مردم با همدیگر و کارکرد اجتماع در تحلیل اجتماعی، فرهنگی و روابط مردم از لحاظ اقتصادی و سیاسی و تأثیر جنگ و روش تعامل مردم با همدیگر نشان داده شده است.^۱ چنانکه پیشتر گفته شد رمان سووشون یکی از نزدیک‌ترین رمان‌ها به موقعیت رمان المصاییح الزرق است که پیامدهای ناشی از حضور اشغالگران را در حیات مادی و معنوی مردم بخش‌هایی وسیع از جنوب ایران به تصویر کشیده است که به بررسی و تحلیل آن پرداخته می‌شود.

۳- بررسی و تحلیل رمان سووشون

۳-۱- خلاصه رمان سووشون: سووشون، به فتح سین، صورت شکسته یا لفظ محلی «سیاوشان» است و معنای آن نشستن به سوگ سیاوش است. از آنجاکه شیرازی‌ها سیاوش را به فتح واو تلفظ می‌کنند، تعزیه سیاوش را هم سووشون به فتح سین می‌گویند (دهباشی، ۱۳۸۳، ۱۰۳۸). این رمان در ۲۳ فصل (۳۰۴ صفحه) نوشته شده است. رمان با عقد کنان دختر حاکم و رفتن «یوسف» و «زری»، شخصیت‌های اصلی رمان، به این جشن آغاز می‌شود. زری با یوسف و سه فرزندش (مینا، مرجان و خسرو) در باغ بزرگی زندگی می‌کنند. یوسف، که گندم می‌کارد، دو سال است که گندم به انگلیسی‌ها نداده، همه را به مردم فروخته است. در این جشن افراد زیادی حضور دارند، مانند «سرجنت زینگر»، که هفده سال است در شیراز چرخ خیاطی سینگر می‌فروشد و خیاطی تعلیم می‌دهد و اکنون لباس افسری پوشیده و به خدمت ارتش انگلستان در شیراز و جنوب ایران درآمده است. «ابوالقاسم» یا «خان کاکا»، برادر یوسف

۱- با توجه به حجم مقاله از آوردن نمونه‌های بیشتر پرهیز شد ولی این روابط در لابه لابه رمان نهفته است و خوانندگان برای اطلاعات بیشتر می‌توانند به رمان المصاییح الزرق اثر حنا مینه مراجعه کنند.

بررسی و تحلیل بازتاب جنب جهانی دوم در دوران سوئوتون و المصلح الرزق ۱۲۵۱۱۱

است. او طرفدار انگلیسی‌هاست و در مقابل آنها تسلیم است. خان کاکا می‌خواهد و کیل شهر بشود، برای همین از یوسف می‌خواهد به انگلیسی‌ها گندم بفروشد؛ کلنل و کنسول به خان کاکا وعده و کالت شهر را داده‌اند. در این زمان شیراز گرفتار قحطی است. قحطی فشار زیادی به مردم وارد کرده است و یوسف حاضر نمی‌شود در چنین وضعی آذوقه مردم خودش را به بیگانان بفروشد. یوسف هر چند گاهی به ده می‌رود. او ده روزی است که به «گرمسیر» رفته است. همین موقع خان کاکا پیش زری می‌آید و می‌گوید دختر حاکم «گیلان‌تاج»، که مریض است، «سحر»، اسب خسرو، را می‌خواهد. زری اطاعت می‌کند. خان کاکا اسب را می‌برد، «خسرو» را هم می‌برد ده شکار کند، تا چند روزی به یاد اسبش نیفتد. هنگامی که خسرو برمی‌گردد، مادرش می‌گوید اسب مرده است. خسرو بیست نفر از دوستانش را دعوت می‌کند و برای سحر مجلس ختم می‌گیرد. خسرو مرگ سحر را باور نکرده است. یوسف از ده باز می‌گردد. «کلو»، پسر چوپان، را آورده است بزرگ کند. چوپان یوسف دو رأس گوسفند می‌کشد، گوشتشان را قورمه می‌کند و توی خیک می‌چپاند. «کدخدا» جاسوسی‌اش را می‌کند، اما چوپان انکار می‌کند، قسم حضرت عباس می‌خورد و شب می‌میرد. یوسف از روی ترحم کلو را به خانه می‌آورد تا بزرگ کند. بعدها می‌فهمند که مردن چوپان از تیفوس بوده نه به خاطر قسم حضرت عباس. همان روز خسرو با «هرمز» پسر عموی خود مخفیانه به خانه حاکم می‌روند تا اسب را برگردانند. زری متوجه غیبت آنان می‌شود و ناچار موضوع اسب را برای یوسف تعریف می‌کند. وقتی یوسف پی می‌برد که زری اسب خسرو را به دختر حاکم بخشیده است عصبانی می‌شود. زری به یوسف اطلاع می‌دهد حامله است. آن‌ها دنبال خسرو و هرمز می‌روند. خسرو و هرمز را بازداشت کرده‌اند با وساطت ابوالقاسم خان موفق می‌شوند خسرو و هرمز را آزاد کنند؛ بعد از مدتی هم سحر را پس می‌گیرند. بعد از چند روز یوسف و کلو دوباره به ده می‌روند. بار فتن یوسف زری دل‌نگران می‌شود. هر شب کابوس می‌بیند. او در خواب‌هایش یوسف را «سیاوش» دیگری می‌بیند. دو هفته از رفتن یوسف و کلو می‌گذرد.

صدای شیئه مادریان بلند می شود، بعد خان کاکا با ماشینش سر می رسد. «ملک رستم» و «مجید» و خان کاکا جنازه یوسف را به خانه می آورند و آواز می دهند که یوسف را کشته اند. زری در این مصیبت بزرگ فرو می رود. خان کاکا می گوید زری دیوانه شده است، اما ملک سهراب انکار می کند. سخنان دکتر «عبدالله خان»، ترس و وحشت او را از بین می برد و آرامش و امید را به او برمی گرداند و زری که تا قبل از این ماجرا زنی مسالمت جو و آرامش طلب بود آگاه می شود و از تردید رهایی می یابد، نگاهش به زندگی عوض می شود. پس از دفن یوسف به خانه برمی گردند، چند نامه تسلیت برای زری آمده است؛ بیش از همه نامه تسلیت «مک ماهون» شاعر ایرلندی است که به دل زری می نشیند.

۳-۲- تحلیل عناصر داستان

۳-۲-۱- **شخصیت ها:** بیشتر شخصیت های رمان ملاکان و بیگانگان اند. هر کدام از این شخصیت ها خصایل و حالات خاصی دارند. در این رمان سه نوع شخصیت، ملاکان، بیگانان و روشنفکران، وجود دارد. برخی از این شخصیت ها در مسیر حوادث دخالت می کنند و از اول تا آخر رمان اثر گذارند؛ حوادث داستان نیز در سرنوشت آن ها مؤثر است، مانند شخصیت یوسف.

ملاکان: «یوسف»: شخصیت اصلی، قهرمان رمان و شوهر زری است. او مالکی عصبی مزاج است، در فرنگ تحصیل کرده، اما وطن پرست و حق طلب است، با بیگانگان و حکومت رابطه خوبی ندارد. این مسئله از همان آغاز رمان آشکار است؛ عقدکنان دختر حاکم همین که چشمش به نان می افتد می گوید: «گوساله ها، چطور دست میرغضبشان را می بوسند! چه نعمتی حرام شده و آن هم در چه موقعی...» (دانشور، ۱۳۹۳، ۵). در فرایند توصیف در تحلیل گفتمان متن بر اساس زبان و صفت های خاص شخصیت ها توصیف می شود. یوسف خوش قلب، برغم داشتن ثروت فراوان، انسان دوست است. یوسف صریح اللهجه (رو راست) و راست گوست: «من نمی توانم مثل همه مردم باشم. نمی توانم رعیتم را گرسنه بینم. نباید سرزمینی خالی از مرد

بررسی و تحلیل بازتاب جنب جهانی دوم در دوران سوشون و المصلح الرزق ۱۲۷۱۱

باشد» (دانشور، ۱۳۹۳، ۱۸) و به فکر رعیت و هم‌وطنانش است: «یوسف داد زد: آذوقه می‌خواهید که بدهید به قشون خارجی و عوضش اسلحه بگیرید و بیفتید به جان برادرها و هم‌وطن‌های خودتان؟» (دانشور، ۱۳۹۳، ۵۰). شخصیت یوسف در این رمان بعد سمبلیک و نمادین دارد. او سمبل مبارزه است. او همواره در ستیز با استعمار و بیگانگان است. در رمان از کشته شدن او با عنوان شهادت تعبیر می‌شود: «...و صدای عمه: در گذشت؟ بنویس شهادت» (دانشور، ۱۳۹۳، ۲۶۰). شخصیت یوسف در رمان دو بعد سمبلیک دارد: یکی نماد سیاوش و دیگر اینکه مظلومیت امام حسین (ع) را در برابر یزید تداعی می‌کند. (ادیب زاده، ۱۳۹۱، ۱۵۶). فرایند تفسیر در تحلیل گفتمان و انتخاب شخصیت بسیار منطبق با موضوع رمان است، چون یوسف به عنوان منجی در زمان قحطی است.

«زری» یا «زهرا»: شخصیت زری در اول رمان همان شخصیتی نیست که در آخر رمان هست. زری شخصیت پویای رمان محسوب می‌شود. زری همسر جوان یوسف است و از او سه بچه دارد (مینا، مرجان و خسرو). زنی باسواد و تحصیل کرده است: او مهربان، با احساس و پرعاطفه است: «دست یوسف را گرفت و با چشمهایش التماس کرد و گفت: «ترا خدا یک امشب بگذار ته دلم از حرفهای نلرزد» (دانشور، ۱۳۹۳، ۵). بزرگترین هم‌وغم این زن حفظ خانواده کوچک خویش است. در قسمت اول رمان، زری زنی مطیع است. اما در فرآیند حوادث داستان و همراه با آن‌ها تحول پیدا می‌کند و در قسمت آخر رمان مردن یوسف او را به شخصیتی قوی تبدیل می‌کند، چنانکه به فکر انتقام خون شوهر می‌افتد. به مجید می‌گوید: «شوهرم را به تیر ناحق کشته‌اند... در زندگیش هی ترسیدیم و سعی کردیم او را هم بترسانیم. حالا در مرگش دیگر از چه می‌ترسیم؟ آب از سر من یکی که گذشته...» (دانشور، ۱۳۹۳، ۲۹۱).

«ابوالقاسم خان» یا «خان کاکا»: برادر یوسف و بر خلاف او طرفدار اشغالگران است. او برای رسیدن به هدفش هر کاری می‌کند: «عمه گفت: ابوالقاسم خان صاف نیست. از وقتی که به

خیال و کالت افتاده ناصاف تر شده» (دانشور، ۱۳۹۳، ۲۰). در او انسان دوستی بسیار ضعیف و شخصی سنگدل است و با رعیت سختگیر. این شخصیت نماد خودخواهان و وطن فروشان است.

«خانم فاطمه»: خواهر بزرگ یوسف، زنی است که در خانه یوسف زندگی می کند. او نیز مانند یوسف راست گوست؛ زن نیکوکاری است که به فقرا کمک می کند.

«عزت الدوله»: پیرزن اشرافی، از نزدیکان خانواده یوسف است. او با پسرش اسلحه قاچاق می فروشند. بدچشم و سنگدل است و حتی هنگام مرگ یوسف هم، گریه نمی کند: «عزت الدوله هم آمد، اما نه دست در گردنش انداخت و نه گریه کرد. فقط گفت: «امیدوارم آخرین غمت باشد» (دانشور، ۱۳۹۳، ۲۴۶).

«ملک رستم» و «ملک سهراب»: این دو برادرزاده های رئیس قشقایی اند، آن ها دوستان یوسف اند. ملک رستم همکلاسی یوسف است. آن ها پیش یوسف می آیند و از او می خواهند کل محصول خود را به آن ها بفروشد. اما یوسف قبول نمی کند، می داند می خواهند این محصول را به قشون خارجی بفروشند.

بیگانگان: در این رمان از آغاز با شخصیت بیگانگان آشنا می شویم. آن ها در جشن عقد کنان دختر حاکم حضور دارند: «سه تا افسر اسکاتلندی که تنبان چین دار و جوراب ساقه بلند زنانه پا کرده بودند به آن ها پیوستند» (دانشور، ۱۳۹۳، ۷). در حوادث رمان با دو شخصیت بیگانه بیشتر از دیگر شخصیت ها آشنا می شویم

الف) «مستر زینگر»: نویسنده صفات جسمی و معنوی این شخصیت را ذکر کرده است. او جاسوس انگلیسی ها است، به عنوان فروشنده چرخ خیاطی سینگر به ایران آمده است. او هنگام شروع جنگ لباس افسری پوشید: «جنگ که شد زری شنید که مستر زینگر یک شبه لباس افسری پوشیده، پراق و ستاره زده، و حالا می دید و این لباس واقعا به او می آمد» (دانشور،

بررسی و تحلیل بازتاب جنب جهانی دوم در دوران سووشون و المصلح الرزق ۱۲۹۱۱۱

ب) «مک ماهون»: دوست یوسف است. شاعر ایرلندی و خبرنگار جنگ است. او تنها بیگانه‌ای است که شخصیتی مثبت دارد. کشور او، ایرلند، نیز زیر سلطه اشغالگران انگلیس است. او در جشن دختر حاکم شعری درباره ایرلند می‌خواند. عنوان شعر درخت استقلال است. این شعر نشان‌دهنده تنفر او از انگلیسی‌ها است. در فرایند توصیف در تحلیل گفتمان تمرکز بیشتر بر انتخاب واژگان و شخصیت‌هاست؛ نویسنده قشرهای بیگانه را به شیوه‌های مختلف در داستان بازتاب داده است. در اینجا این دو شخصیت خارجی به دو شکل مطرح شده‌اند یکی مثبت و دیگر منفی. در این رمان علاوه بر شخصیت روشنفکر یوسف، شخصیت‌های دیگری نیز به عنوان روشنفکر وجود دارند. این شخصیت‌ها، شخصیت‌های اصلی رمان نیستند. «مجید» از جمله این شخصیت‌هاست. دوست یوسف است. با او هم‌قسم می‌شود به قشون خارجی آذوقه ندهند.

«آقا فتوحی» از دیگر شخصیت‌های داستان است که مسلک کمونیستی دارد. او دوست یوسف است و با مرامی که دارد در اندیشه پسر یوسف، خسرو، اثر گذراست.

«دکتر عبدالله خان»: پیرمردی است که، به نظر مردم، برکت روزگار است. به گفته خود سیمین دانشور «دکتر عبدالله خان، یکی از شخصیت‌های فرعی رمان، خود دکتر محمدعلی خان دانشور است» (اربابی، ۱۳۸۷، ۱۶۰) او پس از مرگ یوسف کمک بسیاری به زری می‌کند. او به زری می‌فهماند که شما نه تنها دیوانه نشده‌اید بلکه می‌توانید با شجاعت یاد و راه یوسف را زنده نگه دارید: «دکتر گفت: در این دنیا همه چیز دست خود آدم است، حتی عشق، حتی جنون، حتی ترس. آدمیزاد می‌تواند اگر بخواهد کوه‌ها را جابه‌جا کند،...» (دانشور ۱۳۹۳، ۲۸۵). در این رمان کودکان نیز حضور دارند، از جمله پسر بزرگ یوسف و زری، «خسرو»، که تحت تأثیر اندیشه‌های پدرش و گفته‌های آقای فتوحی قرار گرفته است. دو قلوها: «مینا» و «مرجان». «هرمز»: دوست خسرو و همسن اوست. او فرزند ابوالقاسم خان است. «کلو»: پسر یوسف که پسر چوپان است. یوسف او را از ده می‌آورد و بزرگش می‌کند. در این رمان

شخصیت‌های زیادی حضور دارند. این شخصیت‌ها با قدرت مشاهده درخشانی ترسیم شده‌اند؛ اینان آن قدر مشخص‌اند که هریک روحیه و عملکرد گروه اجتماعی معینی را مجسم می‌کنند. اغلب آن‌ها در حد تیپ نمی‌مانند، همه‌شان فردیتی خاص دارند و به آسانی از یکدیگر تمیز داده می‌شوند (دهباشی، ۱۳۸۳، ۱۳۳).

۳-۲-۲- **درون‌مایه:** موضوع اصلی رمان «سووشون» مقابله قهرمان رمان، یوسف، با بیگانگان و خودداری از فروش آذوقه به آنان است. حوادث این رمان مربوط به سال‌های جنگ جهانی دوم و ملاکان است؛ توجه اصلی نویسنده رمان معطوف حضور بیگانگان، خصوصاً انگلیسی‌ها، در جنوب ایران است. از آغاز رمان تقابل عنصر ایرانی و انگلیسی، در قالب تقابل یوسف و سرجنت زینگر، مطرح می‌شود، وقایع این رمان در سال‌های جنگ جهانی دوم اتفاق می‌افتد. ایران و جامعه ایرانی هم از این جنگ در امان نمانده است. شرایط اجتماعی تولید متن یا کردار اجتماعی در انسجام میان عناصر بافت متن و اجتماع بازتاب می‌یابد. قهرمان اصلی رمان، یوسف، ملاک است. او برخلاف سایر ملاکان، که معمولاً زورگو و ظالم‌اند، ظلم‌ستیز و رعیت‌نواز است. نویسنده زندگی ملاکان و مردم شیراز را به تصویر کشیده و بیش از همه بر شخصیت یوسف تأکید کرده است. یوسف از فروش گندم و تأمین آذوقه قشون خودداری می‌کند. نقطه مقابل یوسف در این رمان برادر اوست: ابوالقاسم خان برخلاف یوسف در جوانی، به جای تحصیل در فرنگ، از پدرش طلب‌ملک می‌کند. نقطه نهایی رمان مرگ یوسف است. نویسنده برای رسیدن به این نقطه وقایع بسیاری را خلق کرده است. در این رمان مرگ یوسف شهادت گونه است و تأثیری عمیق بر زری و اطرافیان خود می‌گذارد و زنی که بتدریج در طول داستان همراه با حوادثی که پیش می‌آید دچار تحول گردیده در اینجا به اوج تحول شخصیتی خود می‌رسد و به زنی شجاع تبدیل می‌گردد؛ ترسش می‌ریزد. نویسنده در این رمان بسیاری از وقایع حقیقی دوران جنگ جهانی دوم را منعکس کرده است. «سووشون» را می‌توان در عداد آثار مستند مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی دوران مذکور به شمار آورد.

بررسی و تحلیل بازتاب جنگ جهانی دوم در *دورمان سوختن* و *المصلح الرزق* ۱۳۱۱۱۱

دسیسه‌های عمال انگلیس، خودکامی مقامات دولتی و قحطی در جنوب کشور « همه در رمان بازتاب یافته است (دهباشی، ۱۳۸۳، ۳۲۶).

۳-۲-۳- **انعکاس جنگ و حضور بیگانگان:** در رمان *راوی* می‌کوشد تصویری ماهرانه و واقعی از وضع شیراز و تحولات آن در سال‌های جنگ جهانی دوم به دست دهد. بارها در داستان به جنگ جهانی دوم و آثار آن اشاره می‌شود. انعکاس جنگ در شخصیت‌ها و در جامعه بروشنی دیده می‌شود. این موضوع بویژه در شخصیت‌های اصلی رمان به چشم می‌خورد. نقش جنگ از همان آغاز رمان روشن است. زری، در ابتدا، زنی معرفی می‌شود که به دنبال حفظ خانه‌اش است و این مسئله در سخنش روشن است. اما جنگ تأثیری زیاد در او و اطرافیانش می‌گذارد. در آخر رمان، جنگ بر خانواده زری تأثیری عمیق می‌گذارد و آن هنگامی است که شوهر او یوسف کشته می‌شود. در اینجا زری به زنی قوی تبدیل می‌شود. یوسف، از همان آغاز رمان خواننده متوجه می‌شود که این شخصیت فردی مبارز و ضداستعمار است که خارجی‌ها را دوست ندارد و به فکر هموطنان خویش است، به همین دلیل وی از دادن آذوقه به قشون خارجی امتناع می‌ورزد. یوسف بیزار است از همه کسانی که طرفدار اشغالگران هستند، حتی از برادرش ابوالقاسم خان. فرایند توصیف در تحلیل گفتمان بیشتر در انتخاب واژگان و شخصیت‌ها جلوه می‌کند اما اینجا دو برادر یکی به عنوان وطن‌فروش و دیگری به عنوان وطن‌دوست مطرح می‌شوند. در پایان رمان یوسف کشته می‌شود. نقش جنگ و تأثیرش در چند موقعیت مانند قحطی، کمبود نان و شیوع بیماری تیفوس آشکار می‌شود. در واقع، همه مشکلات به علت جنگ و حضور خارجی‌هاست. قحطی و بحران نان، به علت حضور خارجی‌ها و افزایش خرید و تهیه آذوقه قحطی شهر را فرامی‌گیرد. در توصیف عناصر متنی گفتمان رمان یا کردار گفتمانی؛ بافت متن و روابط منطقی میان ماجراهای رمان و کنش شخصیت‌ها بازتاب پیدا می‌کند. «بحث درباره گفتمان را از دو بُعد می‌توان سامان داد: متن، محیط و اجتماع. بعد اول: بسط روش‌های معمول در زبان‌شناسی توصیفی و کاربرد آن‌ها در سطح فراجمله (متن)

است. بعد دوم: به اطلاعات غیر زبانی مثل فرهنگ و محیط و اجتماع، که خارج از حیطه زبان‌شناسی است» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۷). نویسنده در چند جا بحران نان را به تصویر می‌کشد. در واقع، مقابله یوسف برای فروش آذوقه به قشون و مبارزه بحران نان موضوع اصلی رمان است. «با آغاز جنگ جهانی دوم، در سپتامبر ۱۹۳۹م، کشاورزی بر اثر اشغال به شدت آسیب می‌بیند. تولید گندم و جو به میزان ۲۵ درصد کاهش می‌یابد. ورود نیروهای بیگانه به ایران و احتیاج شدید به غله، احتکار، سیاست اقتصادی رضاشاه در اواخر حکومت و برداشت کم محصول در سال‌های پیش از جنگ کشور را به سمت بحران ارزاق سوق می‌دهد و مسئله تأمین نان را به مهم‌ترین مسئله کشور بدل می‌کند» (آبراهیمیان، ۱۳۷۹، ۲۰۷ - ۲۰۹، با تلخیص). در آغاز داستان، در روز عقد کنان دختر حاکم، نویسنده به نان اشاره می‌کند. منظور نویسنده انتقاد از اوضاع است. این انتقاد در سخن یوسف آشکار است که می‌گوید: «گوساله‌ها، چطور دست میر غضبشان را می‌بوسند! چه نعمتی حرام شده و آن هم در چه موقعی...» (دانشور، ۱۳۹۳، ۵). به این مسئله در جای دیگر نیز اشاره می‌شود. هنگامی که زری و عمه می‌خواهند نان و خرما به زندان و دارالمجانین ببرند، از دو طبق کش استفاده می‌کنند، طبق کش‌ها پول نمی‌خواهند و نان می‌خواهند. مسئله قحطی و کمبود نان تقریباً در همه جای رمان دیده می‌شود. مسئله دیگری که نویسنده به آن اشاره می‌کند شیوع بیماری تیفوس است. نویسنده در چند جای داستان به وصف جامعه بیماری پرداخته است که در تب محرقه می‌سوزد. مسئله بیماری مردم و مردن آن‌ها در چند جای رمان ذکر می‌شود. وقتی زری به مطب می‌رود، باغ را، که بی‌گل و خزان زده می‌بیندش، دقیق وصف می‌کند. بر اثر جنگ کالای‌ها اساسی کمیاب شده‌اند و همه به فکر شهر خودشان هستند. «در همدان مردم دکان‌ها را بستند و نگذاشتند یک دانه گندم از دروازه شهر خارج بشود.» (دانشور، ۱۳۹۳، ۲۵۱) با توجه به آنچه گذشت عناصر قابل بررسی در سطوح مختلف تحلیل گفتمانی در این رمان به چشم می‌خورد. بویژه کارکرد اجتماعی بخوبی

بررسی و تحلیل بازتاب جنگ جهانی دوم در دو رمان سووشون و المصایح الزرق ۱۳۳۱۱۱

در قالب بیان روابط مردم با همدیگر تحلیل اجتماعی، فرهنگی و روابط مردم از لحاظ اقتصادی و سیاسی و تأثیر جنگ بر این روابط جلوه دارد.

نتایج مقاله

در این مقاله دو اثر برجسته از دو رمان‌نویس مشهور ایران و سوریه (سیمین دانشور و حنا مینه) با استفاده از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین روش تحلیل گفتمان فرکلاف بررسی و تحلیل گردید. نتایج حاکی از آن است که تحولات ناشی از حضور استعمار در هر دو اجتماع و مقایسه آن‌ها با یکدیگر نشان می‌دهد که شباهت‌های این دو رمان بیشتر از تفاوت‌های آن‌هاست، که در این بخش بدان می‌پردازیم.

شباهت‌های رمان سووشون و المصایح الزرق

هر دو رمان را می‌توان جزو رمان‌های سیاسی، تاریخی و رئالیستی به‌شمار آورد، اگرچه رمان سووشون تا حدی به رمان سمبولیستی نیز نزدیک می‌شود. موضوع اصلی هر دو رمان جنگ جهانی دوم و بازتاب آن در جامعه است. موضوع اصلی رمان سووشون حضور بیگانگان به‌ویژه انگلیسی‌ها در شیراز است. در این رمان اعضای خانواده در مقابل یکدیگر هستند، گروهی منفعت‌طلب و گروهی وطن‌دوست هستند. یوسف نماد وطن‌پرستی و برادرش ابوالقاسم خان نماد افراد خودخواه است. موضوع اصلی رمان المصایح الزرق حضور بیگانگان در سوریه به‌ویژه فرانسوی‌ها در شهر لاذقیه است. تقابل اعضای خانواده در رمان المصایح الزرق در تقابل ابوفارس، پدری وطن‌پرست، با فرزندش فارس دیده می‌شود. این تقابل زمانی آشکار می‌شود که فارس برای رسیدن به پول حاضر می‌شود با فرانسوی‌ها همکاری کند. شخصیت‌های هر دو رمان غنی و متنوع هستند و به‌نظر می‌رسد در انتخاب آن‌ها دیدگاه نویسندگان و خاستگاه اجتماعی آنها بی‌تأثیر نبوده است. سیمین دانشور از طبقه مرفه و باسواد جامعه بوده،

شخصیت‌های رمان او نیز غالباً از این طبقه اجتماعی هستند حنا مینه در خانواده‌ای فقیر زندگی می‌کرده و غالب شخصیت‌های رمان المصباح الزرق نیز از همان طبقه اجتماعی هستند. نویسنده از محیط پیرامون خود این شخصیت‌ها را گرفته و حتی در اسامی آن‌ها تغییری نداده است. به نظر می‌رسد در هر دو رمان شخصیت پدر بی‌تأثیر از شخصیت پدر نویسنده‌گان نیست. در سووشون شخصیت دکتر عبدالله‌خان به شخصیت پدر سیمین دانشور نزدیک است و در المصباح الزرق شخصیت ابوفارس به شخصیت پدر حنا مینه قرابت بیشتری دارد. دو نویسنده به این موضوع در موقعیت‌های متفاوت می‌پردازند. در هر دو رمان زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی حضور داشته و شخصیتی صبور دارند و رنج و سختی را تحمل می‌کنند، اما گاهی آن‌ها در سیر حوادث به شخصیت‌هایی منفعل، ترسو و ضعیف تبدیل می‌شوند.

هر دو نویسنده در ذکر اوضاع اجتماعی و سیاسی کشورشان در خلال جنگ جهانی دوم بخوبی آن‌ها را به تصویر کشیده‌اند و صحنه‌های حسی و ملموس را در معرض دید خواننده قرار می‌دهند. آن‌ها حضور پررنگ و تأثیرگذار بیگانگان در کشورشان را به نمایش می‌گذارند، حضور گسترده خارجی‌ها در یک دوره حساس از تاریخ کشورشان که به ستم و غارت اموال مردم منجر می‌شود. علاوه بر این، به فقر و بیکاری مردم محلی در المصباح الزرق، و فقر و قحطی و بیماری تیفوس در سووشون اشاره می‌شود. جوامع توصیف شده در این دو رمان ناآرام و ناامن هستند. قبل از این وقایع، این اجتماعات در آرامش به سر می‌بردند و مردم در کار و فعالیت سازنده بوده‌اند و بعد از استعمار و جنگ است که به این وضع دچار می‌شوند. معضلات بعد از جنگ و استعمار شامل قحطی مواد غذایی بویژه نان باعث تحول شخصیت‌ها و تحول در حوادث رمان می‌شود. در سووشون این تحول در شخصیت زری دیده می‌شود. زری در آغاز رمان شخصیتی آرام دارد، اما بعد از کشته شدن شوهرش به زنی قوی تبدیل می‌شود که خواهان ادامه راه آرمان‌های او است. شیراز نمادی از حضور استعمار در جامعه‌ای بزرگ به نام ایران است. در المصباح الزرق می‌بینیم که شخصیت فارس متحول می‌شود و این تحول پس از طی

بررسی و تحلیل بازتاب جنب جهانی دوم در رمان سووشون و المصباح الزرق ۱۳۵۱۱۱

فراز و نشیبهایی در زندگی او در نهایت باعث مرگ او در لیبی می‌شود. همچنین این تحول در جامعه سوری قابل مشاهده است، در ابتدای داستان کشور آرام است ولی حضور اشغالگران باعث آشفته‌گی و پریشانی اوضاع کشور و ناآرامی و شورش و قتل و غارت در شهرها و مناطق گوناگون سوریه می‌گردد و سرانجام شورش بر ضد اشغالگران به نتیجه رسیده کشور پس از فداکاری و جان‌فشانیهای مردم به استقلال و آزادی دست پیدا می‌کند. استعمار در المصباح الزرق منحصر به شهر لاذقیه یا یک فرد نیست، زیرا اغلب شهرهای سوریه در آن روزها زیر اشغال بیگانگان بودند.

تفاوت‌های رمان سووشون و المصباح الزرق

تفاوت‌های اساسی دو رمان به طور خلاصه به شرح زیر است

- ۱- قهرمان اصلی سووشون یک نفر و آن یوسف است که در نقش منجی ظاهر می‌شود و شخصیت زری ادامه‌دهنده نقش قهرمان اصلی و در واقع خود است. اما در المصباح الزرق قهرمان برغم تأکید نویسنده بر شخصیت فارس یک نفر نیست، بلکه قهرمان اصلی جمعی از افراد هستند. این مسئله در حوادث رمان آشکار می‌شود.
- ۲- در سووشون نویسنده به ذکر صفت‌های جسمی و روحی همه شخصیت‌های رمان توجه ندارد، اما در المصباح الزرق نویسنده همه شخصیت‌های رمان را با ذکر صفت‌های جسمی یا روحی وصف می‌کند.
- ۳- در سووشون حضور بیگانگان با شخصیت مستر زینگر، نماد استعمار نشان داده می‌شود. اما در المصباح الزرق نام هیچ شخصیت فرانسوی ذکر نشده است. حتی نام معلم فارس در این رمان نیامده است.
- ۴- در سووشون کودکان حضور دارند و در حوادث شرکت می‌کنند. اما در المصباح الزرق فقط دو بار به حضور کودکان اشاره می‌شود.

یکی از جنبه‌های مهم سووشون که در المصاییح الزرق وجود ندارد بعد اسطوره‌ای و نمادین شخصیت یوسف است. شخصیت یوسف در این رمان چند بعد دارد: اشاره به یوسف پیامبر دارد؛ نماد مبارزه با ناحق و ظلم است، و با شخصیت امام حسین (ع) پیوند می‌خورد و نیز نماد سیاوش است که کشته می‌شود در حالی که گناهی ندارد.

در بررسی این دو رمان بویژه از منظر شخصیت‌ها و حوادثی که رخ می‌دهد و ارتباط آنها با یکدیگر و شخصیت‌های داستان و کنش آنها در طول داستان و اوضاع اجتماعی در قالب تخریب روابط اجتماعی، ناامیدی مردم، عادی‌شدن مرگ، گریز از اضطرابی به اضطراب دیگر، مهاجرت، کم‌شدن کالاهای اساسی و هدر رفتن منابع اقتصادی مشاهده می‌شود. این‌ها از مضمون‌هایی است که نویسندگان کوشش کرده‌اند از طریق آن‌ها به بازتاب استعمار و اشغالگری در زندگی مردم در دو جامعه تحت اشغال استعمارگران پردازند. جنسیت نویسندگان نیز در بیان حوادث در دو رمان بی‌تأثیر نبوده است، چون سیمین دانشور در برخی مواقع حوادث را به گونه‌ای عاطفی بیان می‌کند، اما حنا مینه به جزئیات عاطفی زندگی افراد توجه کمتری دارد. دو نویسنده به علت درک انسانی از وقایع اجتماع خود و به ویژه محیط اصلی زندگی خودشان توانسته‌اند به خوبی در صحنه ادبیات و هنر بی‌عدالتی و تسلط بیگانگان و بازتاب‌های آن را در مقاومت مردم نشان دهند.

بررسی و تحلیل بازتاب جنب جهانی دوم در دوران سووشون و المصباح الزرق ۱۳۷۱/۱

کتابشناسی

- آبراهیمیان، یراوند. (۱۳۷۹). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- آقا گل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ادیب زاده، مجید. (۱۳۹۱). امپراتوری اسطوره‌های تصویر غرب، روانکاوی گفتمان ادبی ایران ۱۳۳۲-۱۳۵۶، تهران: انتشارات ققنوس.
- اربابی، عیسی. (۱۳۷۸). چهار سرو افسانه (پژوهشی در آثار و زندگی جمالزاده، هدایت، دانشور و افغانی)، تهران: انتشارات اوحدی.
- دانشور، سیمین. (۱۳۹۳). سووشون، چاپ بیستم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- دهباشی، علی. (۱۳۸۳). بر ساحل جزیره سرگردانی (جشن نامه دکتر سیمین دانشور)، تهران: انتشارات سخن.
- دیب، کمال. (۲۰۱۲). تاریخ سوریه المعاصر من الانتداب الفرنسی إلی صیف ۲۰۱۱، چاپ دوم، بیروت: دار النهار.
- رحمانیان، داریوش. (۱۳۹۱). ایران بین دو کودتا، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- روزبه، محمدرضا. (۱۳۹۱). ادبیات معاصر ایران (نثر)، چاپ پنجم، تهران: انتشارات روزگار.
- عسگری حسنگلو، عسگر. (۱۳۸۹). نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی با تأکید بر ده رمان برگزیده، چاپ دوم، تهران: انتشارات شمشاد.
- فر کلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قویدل، مریم. (۱۳۸۹). نقد و تحلیل المصباح الزرق با توجه به رمان سیاسی در سوریه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌های خارجی (عربی)، تهران: علامه طباطبائی.
- گلشیری، هوشنگ. (۱۳۹۲). جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور، چاپ دوم، تهران: انتشارات نیلوفر.
- الماضی، شگری. (۱۹۸۹). الدلاله الاجتماعیه للشکل الروائی فی روایات حنا مینه، مجله فصول، شماره ۳۱ - ۳۲.

۱۳۸ // فصلنامه مطالعات تفریحی / سال یازدهم، بهار ۱۳۹۵ شماره پیاپی دوم

مکاریک، ریما ایرنا. (۱۳۹۰). دانشنامه‌ی نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهرا ن مهاجر و محمد نبوی، چاپ چهارم، تهران: نشر آگه.

میر صادقی، جمال. (۱۳۷۶). عناصر داستان، چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن.

مینّه، حنا. (۱۹۸۶). المصاییح الزرق، چاپ پنجم، بیروت: دار الآداب.

همو. (۱۹۸۶)، کیف حملت القلم؟، بیروت: دار الآداب.